

واکاوی آداب و اصول هنرآموزی بر مبنای فتوت‌نامه‌ها و مقایسه آن با شیوه‌های آموزش دانشگاهی (مطالعه موردی: کارشناسی هنر اسلامی)

*مجیدرضا مقنی پور
**اشکان رحمانی

چکیده

با توجه به ویژگی‌های هنر اسلامی و ضرورت احیاء و تقویت آنها، امروزه برنامه‌هایی برای آموزش و تربیت نیروهای متخصص در سطح آموزش عالی شکل گرفته که رشته کارشناسی هنر اسلامی با تجربه پانزده ساله از مهم‌ترین آنهاست. نقد این دوره و بررسی انطباق مولفه‌های آموزشی آن با آداب تربیتی هنرآموزان این هنرها در گذشته ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین ضمن شناسایی آداب و ویژگی‌های تربیتی و آموزشی در جوامع گذشته (با استناد به فحوای فتوت‌نامه‌ها) و نیز برنامه‌های آموزشی دوره کارشناسی هنر اسلامی، مواردی چون: «هدف»، «اصول و مبناها»، «روش»، «شرایط استاد» و «شرایط شاگرد» در دو شیوه مورد مقایسه قرار گرفته است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. نتایج این پژوهش مشخص نمود که هر چند اهداف آموزشی در هر دو شیوه تا حدودی بر هم منطبق بوده‌اند، اما به علت غالب بودن ساختار و نظام آموزشی ترمی - واحدی در آموزش دانشگاهی، مواردی چون اصول و روش‌های آموزشی و شرایط استاد و شاگرد، تفاوت بسیاری با آموزش سنتی این هنرها دارد؛ به طوری که در شیوه جدید، ماهیت و مقصد آموزش به شیوه‌ای دگرگون آشکار می‌شود.

واژگان کلیدی

هنر اسلامی، آموزش دانشگاهی، فتوت‌نامه، تربیت، استاد.

*. استادیار گروه هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول).
moghanipour@shirazu.ac.ir
** استادیار گروه هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
rahmani.ashkan@shirazu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

طرح مسئله

در دگرذیبی‌های رخ داده در جوامع سنتی و از جمله جامعه ایران، بسیاری از آداب و آیین‌های دینی و بومی جایگزین‌هایی برای خود یافته‌اند؛ در این فرآیند، برخی امور و آداب، با توجه به تحولات جامعه و نیازهای جدید آن، صورتی متفاوت به خود می‌گیرند و برخی دیگر با هدف هم‌آوایی و همسویی با جوامع پیشرفته، به شکلی تقلیدی ظاهر می‌شوند. به نظر می‌رسد مسئله آموزش در جامعه امروز ما بیشتر مبتنی بر رویکرد دوم باشد و آموزش هنر و به طور خاص «هنر اسلامی» نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. هنر اسلامی طبق تعریف، هنری است که: «ویژگی‌های فنی و زیبایی‌شناسی آن همواره منطبق با جهان‌بینی هنرمند مسلمان بوده است که در پی ایجاد تفاهم و تعامل میان صورت و معنا و برآوردن نیازهای مادی و معنوی انسان در مرحله آفرینش اثر هنری، مهارت فنی را با معرفت دینی در می‌آمیزد؛ این هنر ضمن دارا بودن وجه کاربرد، دارای وجه باطنی و مفاهیم متعالی دینی نیز می‌باشد»^۱. این هنرها و حرف مرتبط با آنها در جامعه گذشته ما، علاوه بر دست‌آوردهای ظاهری که همان محصولات و خدمات ارائه شده بود، خود پایه‌گذار بسیاری از آداب و روابط اجتماعی بوده‌اند. برمبنای این ویژگی‌ها، آگاهی از اهداف تربیتی هنرمندان در جوامع گذشته و اشراف بر اصول و مبنای این آموزه‌ها و نیز برنامه‌ها و روش‌های مرتبط با آنها، از ضرورت‌های بنیادین در امر احیاء و ترویج این هنرها و آداب تربیتی مرتبط به آن است و محتوای فتوت‌نامه‌ها منبعی مهم و معتبر برای این منظور است، زیرا که بخش اعظم محتوای این فتوت‌نامه‌ها و رساله‌ها به منظور تربیت هنرمندان یا صنعت‌کاران و در باب منش، عقاید، قوانین و آداب آن هنر یا صنعت خاص نوشته شده است؛ لذا ارکان آموزشی هنر اسلامی در گذشته با تکیه بر متون فتوت‌نامه‌ها قابلیت تبیین دارد.

امروزه با توجه به ویژگی‌ها و ارزش‌های ظاهری و باطنی هنرهای موسوم به اسلامی و ضرورت احیاء، تقویت و هدایت آنها، برنامه‌هایی برای آموزش و تربیت نیروهای متخصص در سطح آموزش عالی کشور شکل گرفته و اجرایی شده است که رشته کارشناسی هنر اسلامی از مهم‌ترین آنهاست. حال با توجه به گذشت بیش از پانزده سال از آغاز به کار این برنامه‌ها، نقد آنها با در نظر داشتن مؤلفه‌ها و آداب تربیتی هنرآموزان این هنرها در جوامع گذشته، ضروری به نظر می‌رسد. سؤال‌هایی که این پژوهش درصدد پاسخ دادن به آنهاست، شامل موارد زیر می‌گردد:

- ویژگی‌های آموزشی و تربیتی شاگردان و هنرآموزان در گذشته بر مبنای فتوت‌نامه‌ها چگونه

بوده است؟

۱. یآوری، برنامه کارشناسی پیوسته هنر اسلامی، ص ۵.

- ویژگی‌های آموزشی در دوره کارشناسی هنر اسلامی در سطح آموزش عالی کشور، چگونه است؟
- موارد اشتراک و افتراق در ویژگی‌های آموزشی برمبنای فتوت‌نامه‌ها و برنامه کارشناسی هنر اسلامی در سطح آموزش عالی، کدامند؟

بر اساس این، این پژوهش در گام نخست به شناسایی آداب و ویژگی‌های تربیتی و آموزشی در جوامع گذشته برمبنای فحوای فتوت‌نامه‌ها با در نظر گرفتن مؤلفه‌هایی چون «هدف»، «اصول و مبناها»، «روش»، «شرایط استاد» و «شرایط شاگرد» پرداخته است؛ همچنین همین مؤلفه‌ها در برنامه‌های آموزشی دوره کارشناسی هنر اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و سپس با مقایسه این دو شیوه، به شناسایی و تحلیل موارد اشتراک و افتراق، پرداخته است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات با روش کتابخانه‌ای و میدانی (در قالب مصاحبه با چند تن از مدیران گروه آموزشی رشته کارشناسی هنر اسلامی) انجام گرفته است.

در بررسی پیشینه‌های پژوهشی مرتبط با موضوع، برخی منابع به معرفی پاره‌ای از آداب تربیتی فتوت‌نامه‌ها پرداخته‌اند که از جمله آنها می‌توان به: بلخاری (۱۳۸۸) در کتاب «هندسه خیال و زیبایی» اشاره داشت، که در بخش‌هایی از این کتاب به معرفی شرایط استاد و شاگرد در فتوت‌نامه‌ها پرداخته است. بینای مطلق و ایزدی دهکری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «عرفان اسلامی و آداب معنوی آموزش هنر (با تاکید بر فتوت‌نامه‌ها)»، ضمن تحلیل مفهوم فتوت و مراتب و قواعد آن در متون عرفانی، به بررسی ارتباط فتوت‌نامه‌ها با اصناف، حرفه‌ها، هنر و صنعت پرداخته‌اند. همچنین کاتب و شمیلی (۱۳۹۱) در مقاله «آیین فتوت و نظام آموزشی هنرها و صنایع در ایران»، فیزیابی (۱۳۸۷) در مقاله «بررسی سنت‌های آموزش هنروری در فتوت‌نامه‌ها» و ابراهیمی و موسوی گیلانی (۱۳۹۸) در مقاله «راهکارهای نظری و عملی برای سلوک معنوی هنرمند در منشور فتوت‌نامه‌ها»، هر یک به بخش‌هایی از آداب آموزشی گذشتگان بر مبنای فحوای فتوت‌نامه‌ها اشاراتی داشته‌اند.

برگزاری اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر در سال ۱۳۸۴، موجب برجای ماندن مقالات ارزشمندی درخصوص آداب آموزشی هنر در جوامع گذشته، از سوی صاحب‌نظران حوزه آموزش هنر شد؛ که از جمله آنها می‌توان به پژوهش آیت‌اللهی (۱۳۸۴)، با عنوان «رابطه آموزش، هنر و معنویت» اشاره داشت که در آن به تبیین رابطه سه گانه آموزش، هنر و معنویت در یک جامعه سنتی پرداخته است. اسلامی و ماندگاری (۱۳۸۴) نیز ضمن واکاوی شیوه‌های تربیت معماران در گذشته، بر دو موضوع آموزش همه‌جانبه و توجه همزمان به معنویات در فرایند تربیت معماران تاکید داشته‌اند؛ همچنین تقی‌زاده (۱۳۸۴) به نقش معنویت در ارتقای کیفیت آموزش هنر پرداخته است.

صدری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «چالش در کارکرد تربیتی هنرهای سنتی در مواجهه با نظام آموزشی معاصر»، بی‌توجهی به یگانگی صورت و معنا در فرایند آموزش هنرهای سنتی در دوران معاصر را دلیلی بر گسست در کارکردهای تربیتی این آثار می‌داند و به ریشه‌یابی علل این بی‌توجهی و گسست در جامعه امروز می‌پردازد. همچنین خزایی (۱۳۸۴)، آزاد (۱۳۸۴)، ندیمی (۱۳۸۵)، یآوری (۱۳۸۴) و رحیمی (۱۳۸۸)، هریک به نوعی بر نقش معنویات در آموزه‌های هنری جوامع پیشین اشاراتی داشته‌اند. از سوی دیگر محققینی مانند عسگری کیا (۱۳۸۲)، مبارکی (۱۳۸۲) و ندیمی (۱۳۷۵) به نقد شیوه‌های امروزی آموزش هنر در سطوح مختلف پرداخته‌اند.

اهل فتوت

در قرون اولیه اسلامی، تلاش گسترده اخوان الصفا در جمع میان عرفان و فلسفه، شریعت و طریقت، حکمت و صناعت و نیز فن و فتوت، به لحن و متن آنها عمق و وسعتی بخشیده بود که شاید بتوان با قاطعیت بیان کرد تمامی کسانی که پس از آنان در طریق اندیشه و حکمت گام زدند، بی‌استثنا به دایره‌المعارف اخوان رجوعی داشته‌اند.^۱ تاثیرپذیری از اندیشه‌های رمزگون هِرَمسی، فلسفه فیثاغورثی، حکمت نوافلاطونی، تاویل باطنی آیات و روایات در کنار اعتقاد شیعی آنها، متون بر جای مانده از آنها را به مجموعه‌ای تبدیل کرده بود که نادیده گرفتن آن برای طالبان اندیشه و حکمت، سخت یا ناممکن است.^۲ در این میان، در ایران، حلقه‌های فیتیان یا اهل فتوت، کسانی بوده‌اند که در عمل و آداب خود همسویی بسیاری با جامعه اخوان داشته‌اند. واژه «فتوت» به معنی جوانی، سخا، جوانمردی و ایثار است؛ «فتی» نیز واژه‌ای عربی است که بر سن و احوال جوانی دلالت دارد؛ اما معنای مجازی آن، سالک یا زائر معنوی است که به منزلگاه دل و حقیقت باطنی رسیده باشد.^۳ بر این مبنا اهل فتوت یا فیتیان همان جوانمردان یا پیروان آیین جوانمردی هستند.^۴ مفهوم فتوت از دو جنبه عرفانی و تاریخی قابل بررسی است؛ زمینه کاربرد آن در متون عرفانی آشکار می‌سازند که فتوت با مفاهیمی

۱. تاثیر حضور و مرجعیت معنایی اخوان الصفا در حکمت و اندیشه اسلامی، چنان گسترده است که سنت‌گرایان اسلامی (به عنوان نظریه‌پردازانی مهم در هنر و معماری اسلامی در یکی دو قرن اخیر) دانسته یا نادانسته در سپهر گسترده معنوی آنها گام زده‌اند و آثاری به سبک ایشان در حکمت و علم مقدس پدید آورده‌اند. (بلخاری، *هندسه خیال و زیبایی: پژوهشی در آرای اخوان اصفا درباره حکمت هنر و زیبایی*، ص ۳۵).

۲. همان، ص ۱۲.

۳. کربن، *آیین جوانمردی*، ص ۴.

۴. بینی‌مطلق، *ایزدی‌دهکردی*، «عرفان اسلامی و آداب معنوی آموزش هنر (با تاکید بر فتوت‌نامه‌ها)»، *مجله علمی پژوهشنامه مذاهب اسلامی*، ش ۱۰، ص ۱۱۹.

همچون ریاضت، تهذیب نفس و جوانمردی همبستگی و همراهی دارد و اموری همچون وفا، راستی، امانت، تواضع به هنگام دولت، احسان بی منت در فقر و حتی انتخاب پیشه نیز از شرایط آن در نظر گرفته شده است.^۱ از سوی دیگر، پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهد فتوت به شکل خاص و در مفهوم جماعتی که پیرو سلسله اصول فتوت بوده‌اند، در میانه سده سوم هجری ایجاد شده است.^۲ درباره ریشه‌های شکل‌گیری اجتماع اهل فتوت، گمانه‌هایی وجود دارد، اما قرائت عمده درباره ظهور آن، به قرون نخستین اسلامی باز می‌گردد. در ایران، به خاطر ظلم زیاد خلفای اموی، در قرن دوم، جنبشی در خراسان به فرماندهی ابومسلم خراسانی به وقوع پیوست که جریان فتوت را بیش از پیش رواج داده و حیات آن را رسمیت بخشید. بعدها این جنبش در قالب نهضت‌های عیاران که در برابر حکومت عباسی قد علم کرده بودند، به حیات خود ادامه داده و تا حکومت صفوی هم در ایران رایج و به اوج حساسیت اجتماعی خود رسید.^۳ اصول و چارچوبه‌های اهل فتوت در سده پنجم هجری قمری تکوین یافت^۴ و به نظر می‌رسد در این تکامل، از معنای ابتدایی خود و تکیه بر جنبه‌های نظامی، به اصول معنوی و عرفانی معطوف شده است.^۵

صناعت نزد اخوان و اهل فتوت

مفهوم «صناعت» یکی از مفاهیم مهم در تبیین مبانی حکمی هنر در آراء اخوان است که فتیان نیز در عمل همین فحوا را از این مفهوم برداشت کرده‌اند. آنها صنعت را به دو دسته «صنایع علمی» و «صنایع عملی» تقسیم می‌کنند. صنایع عملی از دیدگاه آنها، صنایعی از تاریخ تمدن اسلامی است که مترادف معنوی کاملی با صنعت، هنرهای صناعی و هنرهای دستی و سنتی دارد. بنابراین تامل در نوع تعریف و رویکرد اخوان الصفا در این مورد بسیار ضروری است؛ از این دیدگاه: «صنایع عملی، صوری هستند که صانع اندیشمند آن را از فکر صادر نموده و در قالب ماده موضوعه (هیولی) استقرار داده است»؛^۶ به زبان ساده، صنعت عملی، ارائه صور ذهنی صناعی دانا، در ظرف قالب است. به‌عنوان

۱. موسوی، «هنر اسلامی در آیین فتوت‌نامه‌ها، با تاکید بر فتوت‌نامه چیت‌سازان»، *مجله علمی مطالعات هنر اسلامی*، ش ۱۵، ص ۲۲.

۲. کربن، *آیین جوانمردی*، ص ۵.

۳. نفیسی، *سرچشمه تصوف در ایران*، ص ۱۵۴.

۴. راوندی، *تاریخ اجتماعی ایران*، ص ۵۷۳.

۵. موسوی، «هنر اسلامی در آیین فتوت‌نامه‌ها، با تاکید بر فتوت‌نامه چیت‌سازان»، *مجله علمی مطالعات هنر اسلامی*، ش ۱۵، ص ۲۳.

۶. بلخاری، *هندسه خیال و زیبایی: پژوهشی در آرای اخوان اصفا درباره حکمت هنر و زیبایی*، ص ۱۲۵.

مثال معمار، صورت ذهنی خود از یک بنا را در ساخت آن و با ابزار و مصالح آشکار می‌کند و این قدرت نفس صانع، متأثر از نفس کلی و نفس کلی متأثر از تأیید عقل کلی به امر خداوند است.^۱ از نظرگاه اخوان، اساس ایجاد، اظهار و ساختن است؛ ساختنی که سبب برآورده شدن نیازها و حوائج انسانی می‌شود و بر بنیاد این دیدگاه، می‌توان هر صنعتی را هنر و هر هنری را صنعت خواند.^۲ هنر همان صنعتی است که نیاز انسان به تعالی، لطافت و زیبایی را برآورده می‌سازد و صنعت نیز هنری است که فی‌نفسه برآورنده نیازها و حاجات انسان، البته با غایتی خدانشناسانه است. هنگامی که آنها بنیان جامعه‌شناختی صناعات در زندگی انسان را شرح می‌دهند، غرض تمامی آنها را اتمام و اِکمال نفس یا معارف حقیقی، اخلاق نیکو و نیز اعمال پاک می‌دانند که خود البته ابزار تتمیم نفس و استعداد آن برای صعود به ملکوت آسمان‌ها و نجات از حبس و حصار جسم و جهان است.^۳ همان‌گونه که در جوامع گذشته، هر رشته و فعالیت در مرحله‌ای خاص به حد «هنر» می‌رسیده است: «در عالم پیش از مدرن چیزی که دقیقاً و منحصرأً با هنر (art) به معنای امروزی مطابق باشد، وجود نداشت.^۴ واژه هنر در زبان فارسی بر ترکیبی از زیبایی، خیر و فضیلت و گاه بر فن، مهارت و خلق زیبایی دلالت می‌کرد».^۵

با توجه و تعمق در آرای اخوان‌الصفا از صنعت عملی، چندین نکته اساسی و بنیادی برای ما روشن می‌گردد:

- انسان تمامی صنایعی را به قدرت عقل، تمیز، رویت و فکرت خود می‌آفریند که به تمامی، قوایی روحانی هستند؛ نفس به دو قدرت علامه و فعاله خود چنین می‌کند.
- تأکید بر شرافت برخی صنایع نسبت به صنایع دیگر.
- مهارت در هر صنعتی تشبیه به صانع حکیم است.

۱. همان، ص ۱۲۶ - ۱۲۵.

۲. همان، ص ۱۳۱ - ۱۳۰.

۳. همان.

۴. هنر به مفهومی که از مغرب زمین به ایران وارد شده با مفاهیمی که در فرهنگ‌های فارسی آمده، متفاوت است. در عصر حاضر در غرب به هر اثری که حاصل فعالیت‌های انسانی باشد و پیش از تکوین سابقه نداشته باشد، هنر گویند. در فرهنگ و ادب فارسی، هنر به معنای کمال دانش، فضیلت، تقوا، مردانگی و جنگاوری است (معنای عام) و نیز به معنای هر اثری که از ظرافت‌های ویژه برخوردار باشد و لذت دیدار ایجاد کند هنر می‌گویند (معنای خاص). (آیت‌اللهی، «رابطه آموزش، هنر و معنویت»، مندرج در: *مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر*، ص ۴۱)

۵. قیومی بیدهندی، «نظام آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله معماریه»، مندرج در: *مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر*، ص ۲۲۷.

- صنعت از دامن حکمت زاییده می‌شود و به عبارت دیگر صنعت بدون حکمت هیچ است.^۱ در کشف حلقه‌های پیوند میان حکمت و صنعت (هنر)، در تمدن اسلامی و در گستره جغرافیایی ایران، «فتوت‌نامه‌ها» از مهم‌ترین و ارزنده‌ترین منابع هستند.^۲

فتوت‌نامه‌ها

در دوره‌ای که فتوت و جوانمردی با سلوک اخلاقی و عرفانی درآمیخته شد، تنها در محدوده عادت‌ها و عقاید عرفانی محدود نماند و آیین فتوت در مشاغل و حرفه‌ها و آداب و قواعد هر یک از حرف نیز جاری‌وساری بود.^۳

فتوت‌نامه‌ها را می‌توان شکل مکتوب آداب اهل فتوت دانست و آن رساله یا کتابی است که در خصوص منش، قوانین و آداب جوانمردان نگاشته شده است. علاوه براین، فتوت‌نامه‌ها، دربردارنده معنای جوانمردی، تاریخچه، آداب، اذکار و تشریفات پیوستن به جمع اهل فتوت است.^۴ فتوت‌نامه‌ها بخشی از فرهنگ شفاهی، عرفان غیرکلاسیک، ادبیات و تاریخ کهن پس از اسلام است و ازاین‌رو این متون از جنبه‌های مختلف دارای ارزش و اعتبار فرهنگی‌اند.^۵ این متون به شرح اصول عرفانی و تهذیب نفس محدود نشدند و این اصول اخلاقی را در عرصه کار روزمره نیز تسری دادند تا از این رهگذر، مسیر عرفان نظری را به عرفان عملی مبدل سازند. محتوای این فتوت‌نامه‌ها، دستورالعمل‌هایی برای رسیدن سالکان و رهروان به فتوت و جوانمردی ذکر شده است:

ورود به جمع اصحاب فتوت از قرن پنجم هجری قمری، آداب ویژه‌ای به خود گرفت و به تدریج نوشتن فتوت‌نامه‌ها به عنوان منشوری اخلاقی شکل گرفت، به‌طوری‌که سرکرده هر فرقه که دارای جایگاه پیر و شیخ داشت، باید برای هر فرد متقاضی عضویت، منشوری می‌نوشت ...^۶

۱. بلخاری، *هندسه خیال و زیبایی؛ پژوهشی در آرای اخوان الصفا درباره حکمت هنر و زیبایی*، ص ۱۳۵ - ۱۲۹.
۲. این عهدنامه‌های به جای مانده از حلقه‌های فن و فتوت صنعتگران، معماران و بنایان گذشته فرهنگ ایرانی - اسلامی، نمود و نشان کامل حضور سیر و سلوک هنرمندانی است که تعبیر لطیف رساله نقش‌بندیه، دست به کار داشتند و دل به یار. (همان، ۱۷۹ - ۱۷۸)
۳. بینای مطلق، *ایزدی‌دهکردی*، «عرفان اسلامی و آداب معنوی آموزش هنر (با تاکید بر فتوت‌نامه‌ها)»، *مجله علمی پژوهشنامه مذاهب اسلامی*، ش ۱۰، ص ۱۲۱.
۴. کاشفی، *فتوت‌نامه سلطانی*، ص ۷.
۵. افشاری، *سی فتوت‌نامه دیگر*، ص ۱.
۶. موسوی (به نقل از شفیعی کدکنی)، *هنر اسلامی در آیین فتوت‌نامه‌ها، با تاکید بر فتوت‌نامه چیت‌سازان*، ص ۴.

از مهم‌ترین فتوت‌نامه‌ها و رساله‌های موجود فارسی می‌توان به فتوت‌نامه نجم‌الدین زرکوب (م. ۷۱۲ ق)، فتوت‌نامه عبدالرزاق کاشانی (م. ۷۳۰ یا ۷۳۵ ق)، فتوت‌نامه زک‌الدین بیابانکی (م. ۷۳۶ ق)، فتوت‌نامه امیر سیدعلی بن شهاب‌الدین همدانی (متوفی: ۷۸۶ ق)، فتوت‌نامه سلطانی از ملاحسین کاشفی (م. ۹۱۰ ق) و رساله آداب المشق باباشاه اصفهانی (متوفی: ۹۹۶ یا ۱۰۱۰ ق) اشاره داشت.^۱

بخش اعظم محتوای این فتوت‌نامه‌ها و رساله‌ها به منظور تربیت هنرمندان یا صنعتکاران و در باب منش، عقاید، قوانین و آداب آن هنر یا صنعت خاص نوشته شده است؛ لذا ارکان آموزشی هنر اسلامی در گذشته با تکیه بر متون فتوت‌نامه‌ها قابلیت تبیین دارد.^۲

ویژگی‌های تربیتی هنرمند در فتوت‌نامه‌ها

بر مبنای محتوای فتوت‌نامه‌ها، اهل فتوت، نظامی از تربیت سری و نظام‌مند بر اساس تعلیم و تربیت استاد - شاگردی و با حضور سطوح مختلف نوآموزان و مرشدان ساخته بودند که از جمله مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار در ظهور حلقه‌های اتصال میان حکمت و صنعت و فن و فتوت در تاریخ تمدن اسلامی است.^۳ در معرفی ویژگی‌ها و شاخصه‌های تربیتی هنرآموز بر مبنای فتوت‌نامه‌ها، به بررسی پنج مولفه «هدف»، «مبانی»، «روش»، «شرایط استاد» و «شرایط شاگرد» می‌پردازیم.

الف) هدف: فتوت‌نامه‌ها در میان اصناف و حرفه‌ها، بیشترین تاثیر آموزشی و تربیتی را در وفاداری به اصول «اخلاقی» و «انسانی» بر می‌شمردند و شخصیتی معنوی از صاحبان حرفه‌ها و اصناف می‌ساختند. این اصول اخلاقی، با پوششی از سلسله مراتب سختگیرانه ارائه می‌شده است تا متعلم در این فرآیند، رشدی تدریجی داشته باشد. کلیات اهداف آموزشی هنر و صنایع اسلامی در فتوت‌نامه‌ها را می‌توان در دو بخش طبقه‌بندی نمود: یکی شامل ارائه برنامه تربیت معنوی متعلمان و دیگری، تربیت حرفه‌ای آنان به عنوان صاحب یک شغل. ناگفته نماند که تمیز مرزهای این دو شیوه در فتوت‌نامه‌ها دشوار است، زیرا در این متون، تربیت معنوی و تربیت حرفه‌ای نتیجه یکدیگر بوده‌اند و عملاً همگام با یکدیگرند.^۴

۱. فیزایی، «بررسی سنت‌های آموزشی هنروری در فتوت‌نامه‌ها»، *مجله علمی مطالعات هنر اسلامی*، ش ۱۵، ص ۱۳۰.
۲. مانع اصلی در تحقیق و پژوهش درباره فتوت‌نامه‌ها، رازگونه بودن آنها و تلاش وسیعی است که در پنهان داشتن این رسالات از نااهلان صورت می‌گرفته است. (بلخاری، *هندسه خیال و زیبایی: پژوهشی در آرای اخوان اصفا درباره حکمت هنر و زیبایی*، ص ۱۷۹)
۳. همان، ص ۱۸۰.
۴. بینیای مطلق، *ایزدی دهکردی*، «عرفان اسلامی و آداب معنوی آموزش هنر (با تاکید بر فتوت‌نامه‌ها)»، *مجله علمی پژوهشنامه مذاهب اسلامی*، ش ۱۰، ص ۱۲۸.

ب) **اصول و مبناها:** بر طبق آرای فتیان، خداوند در قرآن کریم، بارها و بارها خود را معلم و مربی معرفی می‌نماید و انسان و مربی سنتی نیز کاملاً آگاه است که در راهی قدم می‌نهد که پیش از وی رسولان و پیام‌آوران الهی، برای چنین امر خطیری از جانب معلم و مربی حقیقی برگزیده شده بودند. از همین رو باید با اخلاص، صدق، صفا و طلب یاری از پروردگار به چنین عرصه‌ای قدم گذارد.^۱ بر این اساس، جنبه تقدس دادن به مشاغل و گره زدن آنها با سنت نبوی در بسیاری از فتوت‌نامه‌ها مشهود است، به طوری که منشأ هر یک از مشاغل به یکی از انبیا و قدیسان باز می‌گردد.^۲

همچنین تربیت نوآموز، مبتنی بر دو حیظه بوده است؛ نخست حیظه کیفی صنعت (یا همان هونره معادل فضل) و دوم حیظه کمی آن (یا تکنیک). در این فرآیند همواره بخش کیفی، نقش غالب‌تری ایفا می‌کند و این حیظه کیفی به طرز تفکیک‌ناپذیری با افراد و آیین‌هایی که خاستگاه و مقامی مقدس دارند، آمیخته شده است.^۳ در این میان از اصلی‌ترین مبانی تربیتی هنرآموز، دریافت وجه باطنی و درونی منشاء یافته از روح تفکر دینی می‌باشد و در اولین گام باید هنرآموزان با روح و معنای تفکر دینی آشنا گردند. لذا اولین تلاش مربیان و استادان، پس از ورود شاگردان به عرصه تربیت و تعلیم، آماده‌سازی روحی و معنوی آنهاست. آمادگی روحی و معنوی به قولی ایجاد طلب است در هنرآموز و نه پاسخ به آن. لذا بر مبنای فحوای فتوت‌نامه‌ها، هنرآموز تنها در صورت دست یافتن به آن آداب می‌توانست مهارت‌های دیگر را کسب نماید، در غیر این صورت از ادامه آن مهارت بازداشته می‌شد:^۴

قبل از آموزش مهارت‌ها، انتقال مبانی معنوی ضرورت دارد و پس از طی مراحل (کسب اهلیت هنرجو) در عین تداوم انتقال این مبانی، آموزش مهارت‌ها نیز باید آغاز شود. نقش اصلی معنویت‌گرایی در تربیت هنرمند، در انتقال مبانی معنوی است که در حقیقت شکل‌دهنده شخصیت، منش و روش هنرآموز خواهد بود. شاید بهتر باشد در این مورد به جای واژه آموزش از واژه هدایت و ایجاد باور استفاده شود [...]

۱. رحیمی، *مطالعه تطبیقی در آداب تربیتی نگارگران گذشته و حال*، ص ۵۶.

۲. از مقدماتی‌ترین سخنان فتوت‌نامه‌ها، صحبت از سرآغاز و منشاء حرفه است که همگی مشاغل از جانب پروردگار و به واسطه ملائکه، بر پیامبران و اولیاء الهی نازل گشته است، یعنی حضور خداوند و امر الهی در حیظه پیشه، که بی‌اذن پروردگار ایجاد نمی‌گردید و بی او نیز سرانجامی یک نخواهد داشت. (ندیمی، «آیین جوانمردان و طریقت

معماران»، مندرج در: *مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ارگ بهم*، ص ۴۵۸)

۳. محمدزاده، «آموزش و حیظه کیفی هنر»، مندرج در: *مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر*، ص ۲۶۷ - ۲۶۶.

۴. نعیمایی، «بررسی رابطه شیوه‌های آموزشی و ارتباط آن با معنویت»، مندرج در: *مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر*، ص ۲۶۱

در اولین مرحله، طالبانِ آموختن هنر، نیازمند هدایتند تا هم جانشان آماده دریافت معانی و رموز الهی گردد و هم بتوانند این معانی و رموز را با زبانی قابل درک بیان کنند.^۱

ج) روش: آشنایی با مراتب سازمانی اخوان‌الصفا و ورود به این حلقه و گذر از این مراتب می‌تواند تا حد زیادی ما را با روش‌های آموزشی و تربیتی اهل فتوت که متأثر از این آراء بوده‌اند، آشنا نماید. این مراتب چهارگانه به شرح زیر می‌باشد:

- مرتبه اول، مرتبه‌ای است که اخوان نام آن را «الاخوان الابرار الرحماء» گذاشته‌اند. این مرحله از سن ۱۵ سالگی آغاز می‌شود و کسانی در این سطح پذیرفته می‌شوند که حاوی سه صفت: صفای جوهر نفس، تیز هوشی و سرعت در تصور باشند. از دید اخوان، این صفات همان ویژگی‌هایی است که صاحبان صنایع در مدینه باید آن را دارا باشند.

- مرتبه دوم، «الاخوان الاخيار الفضلاء» نام دارد و با رسیدن به مرز سی سالگی شایستگی خود را نشان داده‌اند. شرایط پذیرش در این مرتبه دارا بودن صفاتی چون رعایت کردن حال برادران خویش، توانایی در اعطای فیض به برادران، سخاوت، شفقت و مهربانی به دیگر اخوان است.

- مرتبه سوم، «الاخوان الفضلاء الكرام» نام دارد که سطح مرتبه صاحبان امر و نهی در مدینه فاضله اخوان است و از چهل سالگی پس از موفقیت در مرتبه دوم آغاز می‌شود. شرایط حضور در این سطح، توان قیام و در عین حال، نصرت در دفع عناد و خلاف، البته همراه با رفق و لطف و مدارا در اصلاح مخالف معاند است.

- مرتبه چهارم، که اخوان نامی بر آن نمی‌نهد، کامل‌ترین مرتبه جمعیت اخوان است که فوق تمامی مراتب است. این مرتبه تسلیم و مشاهده بالعین حق است.^۲

با الگو قرار دادن این مراتب، مشخص می‌گردد که در برنامه‌های آموزشی و تربیتی اهل فتوت نیز رسیدن به اوج هر هنر یا صنعتی، گذشتن از «سلسله مراتبی» را می‌طلبد و بعید بود هنرآموزی بدون گذراندن این سلسله مراتب در جایگاه بالاتر تکیه زند:

در نظام استاد - شاگردی گذشته، سلسله مراتبی وجود داشت که شاگرد تلاش می‌کرد تا به استادی برسد، این سلسله مراتب آزمایش‌هایی بود که شاگرد می‌باید

۱. تقی‌زاده، «نقش معنویت در ارتقای کیفیت آموزش هنر»، مندرج در: مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر، ص ۱۷۱.

۲. بلخاری، هندسه خیال و زیبایی؛ پژوهشی در آرای اخوان‌الصفا درباره حکمت هنر و زیبایی، ص ۱۹۳.

از درون مشکلات و فوت و فن کاسه‌گری [کوزه‌گری] بگذرد تا به مرتبه خلیفه، شیخ و استادی برسد ...^۱

استاد با توجه به شناخت روحیه، استعداد و قابلیت معنوی شاگرد، طبق سنتی که خود فرا گرفته بود، به تدریج و گام به گام، آگاهی‌ها و فنون لازم را به وی منتقل می‌کرد ...^۲

در این میان براساس برخی منابع، آموزش فنی هنر با مشق کردن از روی کار استاد آغاز می‌شد. روشن است که شاگرد در ابتدا دست به آفرینش نمی‌زند، بلکه سعی می‌کند الگوهای داده شده را عیناً تکرار کند و مشق کردن از روی الگو تا آنجا ادامه می‌یافت که صورت‌بندی اصلی، ملکه ذهن شاگرد می‌شد و او می‌توانست بدون نگاه کردن به الگو، آن را با ضوابط خاصش اجرا نماید؛ چنان که باباشاه اصفهانی در رساله آداب المشق با دقت به این موضوع پرداخته است و از سه نوع مشق نظری، قلمی و خیالی یاد کرده است.^۳ به‌طور کلی در ساختار نظام تربیتی و آموزشی فتوت‌نامه‌ها، تعلیم و تربیت در هر زمینه‌ای بر پایه تلمذ طولانی مدت در محضر استادان فن و همراهی و نشست و برخاست با ایشان بود، که این مسئله می‌توانست تاثیر روحی و درونی بسیاری در فراگیری برقرار کند. این روش تعلیمی که هنوز هم در برخی نهادها اعمال می‌شود، براساس پیوستن به حلقه درس یک استاد و طی طریق طولانی با اوست. در چنین دوره‌هایی، رابطه استاد و شاگرد از حد حضور در کلاس فراتر می‌رود و این دو در جریان زندگی همدیگر اثر می‌گذارند و اثر می‌پذیرند. در این تعامل، فنون و راز و رمز هنر از استاد به شاگرد منتقل می‌شود و شاگرد براساس اعتقاد و ایمان به حرف و عمل و اندیشه استاد، به طرزی منحصر به فرد در موضوع تربیتی شریک می‌شود. در بسیاری از موارد، رابطه استاد و شاگرد حتی با پایان گرفتن یک دوره و ارتقا و انتقال شاگرد به مقام استادی، تمام نمی‌شود.^۴

د) شرایط استاد؛ بر جایگاه و شان مقام استاد در فتوت‌نامه‌ها مکرر تاکید شده است. به‌طوری‌که در آیین فتوت پس از شیخ، عالی‌ترین مقام در نظام آموزشی مقام استاد بوده است. اخوان معتقد بودند هر انسان صنعتگری ناگزیر از داشتن استاد است. در واقع استاد قوه نهفته در نفس صنعتگر را برمی‌انگیخت^۵

۱. فیوضات، بررسی تحولات نظام استاد - شاگردی در ایران، ص ۷۱.

۲. خزایی، «مبایندی آموزش هنر اسلامی (با تاکید بر هنر نگارگری)»، مندرج در: مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر، ص ۱۸۴.

۳. پیروزرام و بینای‌مطلق، «بررسی مسئله خلاقیت در هنرهای سنتی»، مجله جاویدان خرد، ش ۲۴، ص ۴۳.

۴. عسگری کیا، آموزش آکادمیک هنر، بیناب، ش ۳ و ۴، ص ۷۱ - ۷۰.

۵. ابن‌خلدون معتقد است که «ملکه» که عبارت است از صفتی راسخ که در نتیجه انجام دادن یک عمل و پیاپی و

تا آن را به مرحله فعل برساند.^۱ ارتباط شاگرد با استاد نوعی ارتباط مرید و مرادی بود و وظیفه و تعهد استاد، رساندن مرید به سرمنزل و هدف شاگرد حرکت در مسیر مراد بوده است. در فتوت‌نامه شهاب‌الدین سهروردی، وظایف استاد در قبال شاگرد چنین وصف شده است:

- استاد (صاحب) باید همواره در اندیشه شاگرد باشد، چه او حاضر باشد و چه غایب. اگر استادی این دوستی همراه ولایت و حمایت را نداشته باشد و نسبت به سهو و خطای شاگردان بی اعتنا باشد، دیگر حقی بر گردن ایشان ندارد.

- استاد همواره باید در اندیشه آموزش شاگرد باشد و روز به روز فعل و ادب شاگردانش را زیادت بخشد.

- استاد پیوسته باید دست به سخاوت و مروت گشاده دارد و از شاگردان هیچ چیز مضایقه نکند و دریغ ندارد.

- استاد باید شاگردان را در خدمت به یکدیگر بیازماید و به آنها بیاموزد که به یکدیگر اعتماد کنند و پشتیبان هم باشند.

- استاد باید شاگرد را آزمایش کند و قابلیت هریک را بشناسد و تشخیص دهد چه نوع دانش و معرفتی برای هرکدام لازم است و شاگردانش در چه نوع فن و هنری تا کجا می‌توانند پیشرفت داشته باشند.

- استاد باید شاگردان را چنان تربیت کند، آماده سازد و به کمالات برساند که شاگرد بداند در هر موقع و مکان چه رفتاری کند که زیننده جوانمردان باشد.

- و بالأخره استاد در هیچ لحظه‌ای به ویژه هنگام عبادت، شاگردان خود را از نظر دور ندارد.^۲ همچنین در رساله‌الجامعه در خصوص وظایف استاد نسبت به شاگرد چنین آمده است:

تو در بهترین لباس و زیباترین شکوه به سوی ایشان بروی؛ آنان برای تو چون فرزندانند و تو برای ایشان چون پدر (آنان تو را به منزله خانه و تو ایشان را چون ساکن)؛ جان تو برای زنده کردن آنها فرود آمده است؛ باید بیرون آمدنت همراه با وقار باشد و چون آنها را ببینی درحالی که آنها تو را ببینند و سخن تو را بشنوند و دریابند، از حکمت خود بر آنها فرو خوان و با پندهای خود نصیحت‌شان ده تا آنجاکه

تکرار کردن آن حاصل می‌گردد، به میزان نیکویی آموزش و ملکه آموزگار وابستگی دارد. بنابراین در هر شغل و پیشه‌ای وجود استاد ضروری بود. (ابن‌خلدون، مقدمه، ص ۷۹۱)

۱. کاتب و شمیلی، «آیین فتوت و نظام آموزشی صنایع و هنرها در ایران»، *مجله علمی پژوهش هنر*، ش ۴، ص ۱۳۱.
۲. کرین، *آیین جوانمردی*، ص ۵۷ - ۵۶.

مکان گنجایی داشته باشند و اذهان آنها برتابد. پرادعا و کم‌خرد و کج‌رو و بادر و متکبر و پرخاشجوی نباش و هیچ‌یک از آنها را فوق طاقت، بار منه و تکلیف ناممکن مکن، زیرا خدا هیچ‌کس را تکلیفی خارج از حد ننهاده است ...^۱

ه) شرایط شاگرد؛ در نظام آموزشی فتیان، همه چیز وابسته به گیرنده یعنی شاگرد است، او با آماده‌سازی خویش است که می‌تواند پذیرای فحوای کلام و کردار استاد گردد و نظام و آداب تربیتی نیز هیچگونه اجباری را در حرکت دادن شاگردان در دستور کار خویش ندارد. اگر او خود طالب باشد، در پی آن خواهد رفت و آن را خواهد جست و مربیان و اساتید نیز چنین شخصی را هدایت و رهبری خواهند کرد.^۲ لذا اعطا و اخذ، یا تعلیم و تعلم و انتقال مهارت‌ها و رازها و رمزها از استاد به شاگرد، در گرو یافتن «اهلیت» بوده است. شاگرد، در اولین قدم‌ها می‌بایست از عادات بد، خودبینی، غرور و دنیاطلبی پرهیز نموده، وجود خویش را برای درک حقایق و رموز آماده می‌کرد. اهلیت، قابلیت‌ها و توانایی‌های فرد را معلوم و رابطه متقابل فرد و رمز را فراهم می‌کرد.^۳ این موضوع نشان می‌دهد که راه یافتن به یک حرفه صرفاً به دست آوردن مهارت نیست تا پس از طی مراحل با تقلید و تکرار حاصل گردد، بلکه فرد، قبل از راهیابی به حرفه باید قابلیت رازدانی و رازخوانی را از خود نشان دهد.^۴ به بیان دیگر، شاگرد در این قلمرو به مشق معنا در می‌آید و نه صرفاً به کسب مهارت؛ وی در ابتدا مشق سلوک می‌کند تا پس از رسیدن به مرحله اهلیت نفس، خود را قادر به اخذ حقیقت و مهارت آن صناعت ببیند.^۵ نمونه‌هایی از فتوت‌نامه‌های موجود در تاریخ هنرهای سنتی، موید این معناست.

مولانا حسین کاشفی (متوفی ۹۱۰ ق)، در فتوت‌نامه خویش به شرایط شاگرد می‌پردازد و بنای شاگردی را بر «ارادت» استوار می‌داند.^۶ همچنین می‌توان خصائل دوازده‌گانه‌ای را که اخوان معتقدند در فطرت آدمی موجود است به عنوان شرایط نوآموزان در دستگاه تربیتی در نظر گرفت که عبارتند از: قدرت و قوت اعضای بدن در انجام اعمال شریعت؛ تیزهوشی، فهم نیکو و سرعت انتقال در

۱. بلخاری، *هندسه خیال و زیبایی؛ پژوهشی در آرای اخوان‌الصف در باره حکمت هنر و زیبایی*، ص ۱۸۹ - ۱۸۸.

۲. رحیمی، *مطالعه تطبیقی در آداب تربیتی نگارگران گذشته و حال*، ص ۶۶.

۳. مساوات و برابری در تربیت سنتی، امری تعریف نشده و بی‌معناست و پاسخی که بر آن می‌توان داد اینگونه است که دو موجود را در آن واحد از جمیع لحاظ، مشابه نمی‌توان یافت. (گنون، *سیطره کمیت و علائم آخرالزمان*، ص ۱۰۷)

۴. ندیمی، «آموزش معماری، دیروز و امروز»، مندرج در: *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ش ۱۳ و ۱۴، ص ۱۴.

۵. بلخاری، *هندسه خیال و زیبایی؛ پژوهشی در آرای اخوان‌الصف در باره حکمت هنر و زیبایی*، ص ۲۰۴ - ۲۰۳.

۶. همان، ص ۱۸۹.

دریافت؛ قدرت حفظ آنچه می‌فهمد و می‌شنود؛ فطانت، زیرکی و باهوشی و قدرت در ارائه دلیل؛ خوش بیانی در ارائه ما فی الضمیر خود؛ عاشق علم و طالب بهره بردن از آن؛ دوستار صداقت و مقرب اهل صداقت؛ رعایت خیر در خوردن و آشامیدن و نکاح؛ دارای عزت نفس، همت عالی و محب کرامت؛ زهد در مال و سایر اعراض دنیوی؛ دوستدار عدل؛ جسور، بی‌باک و قوی در آن چه سزاوار انجام است^۱ و نیز می‌توان بر این شروط، هفت خصلت دیگر اضافه نمود که اخوان معتقدند طالب علم ضرورتاً باید داشته باشد: سوال و سکوت، استماع، تفکر، عمل، صداقت، کثرت ذکر و ترک عجب به واسطه تحسینی که از وی می‌شود.^۲

آموزش دانشگاهی هنر (دوره کارشناسی هنر اسلامی)

همانگونه که در ابتدای مقاله مطرح شده و در اینجا نیز تاکید می‌گردد در دگردیسی بسیاری از جوامع سنتی و از جمله جامعه ایران، بسیاری از آداب و آیین‌های سنتی، جایگزین‌هایی برای خود می‌یابند؛ این فرایندهای جایگزینی، برخی با توجه به تحولات جامعه و نیازهای جدید آن صورت می‌پذیرد و برخی دیگر با هدف هم‌آوایی و همسویی با جوامع غربی، به شکلی تقلیدی ظاهر می‌شوند. به نظر می‌رسد مسئله آموزش، به‌ویژه در حوزه هنر، در جامعه امروز ما مبتنی بر رویکرد دوم باشد. با توجه به ویژگی‌ها و ارزش‌های ظاهری و باطنی هنرهای موسوم به اسلامی و ضرورت احیاء، تقویت و هدایت آنها، مدت زمانی است که برنامه‌هایی برای آموزش و تربیت نیروهای متخصص در این زمینه در سطح آموزش عالی کشور شکل گرفته و اجرایی شده است. یکی از مواردی که آموزش آن در ساختار دانشگاهی کشور در جریان است، آموزش هنرهای اسلامی بوده که دوره کارشناسی آن از حدود پانزده سال پیش در دانشگاه‌های کشور آغاز شده است؛ که در ادامه به بررسی ویژگی‌های این دوره آموزشی می‌پردازیم.

الف) هدف: در مقدمه برنامه درسی دوره کارشناسی هنر اسلامی که در سال ۱۳۸۴ به تصویب شورای گسترش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رسیده است، صفات انتساب داده شده به هنر اسلامی، همسویی بسیاری با اندیشه‌های اهل فتوت در خصوص هنر و صناعت دارد که مهم‌ترین آن، هم‌آمیزی صناعت و حکمت است:

ویژگی‌های هنر و فرهنگ اسلامی ایران در ادوار اسلامی، زاده تلاش و فعالیت‌های

۱. همان، ص ۱۹۵.

۲. همان.

هنرمندانی است که در دامن فرهنگ اسلامی پرورش یافته‌اند. ویژگی‌های فنی و زیبایی‌شناسی آثار دوران اسلامی همواره منطبق با جهان‌بینی هنرمند مسلمان بوده است. هنرمند مسلمان در پی ایجاد تفاهم و تعامل میان صورت و معنا و برآوردن نیازهای مادی و معنوی انسان در مرحله آفرینش اثر هنری، مهارت فنی را با معرفت دینی در می‌آمیزد و بدین ترتیب اثر هنری ضمن دارا بودن وجه کاربرد، دارای وجه باطنی و مفاهیم دینی می‌گردد.^۱

در ادامه این سرفصل به اهداف این دوره آموزشی اشاره دارد:

دوره کارشناسی هنر اسلامی به منظور احیاء، توسعه، ترویج و تقویت هنرهای اسلامی در جامعه ایران و تربیت کارشناسانی آگاه و متخصص در یکی از زیر مجموعه‌های هنر اسلامی طراحی گردیده است ... هدف از برگزاری این دوره، تربیت افراد متخصص، پژوهشگر و ژرف‌اندیش است که ضمن آگاهی به مبانی نظری و عملی هنر اسلامی، موجبات تقویت و تحکیم آن را فراهم آورند.^۲

همچنین مواردی همچون احیاء و توسعه فرهنگ و هنر اسلامی ایران، وسعت بخشیدن به پژوهش در زمینه هنر اسلامی در جهت اعتلای فرهنگ اسلامی، تکیه و تاکید بر حفظ و صیانت اصالت‌ها و ارزش‌های حاکم بر هنر اسلامی، فراهم آوردن زمینه‌های تداوم هنر اسلامی و حیات گسترده آن در آینده را می‌توان از جمله اهداف بلندمدت این فرآیند آموزشی، در نظر گرفت.^۳

ب) اصول و مبناها: طبق فحوای فتوت‌نامه‌ها، اولین اصل، پس از ورود شاگردان به عرصه تربیت و تعلیم، آماده‌سازی روحی و معنوی آنها بود. به بیان دیگر، انتقال مبانی معنوی پیش از آموزش مهارت‌ها ضرورت دارد. البته در برنامه‌های آموزش دانشگاهی مفاهیمی هم‌وزن اصول و مبناها وجود ندارد؛ اما اگر دروس پایه را به عنوان نقطه شروع و مبنایی برای آموزش‌های تخصصی این دوره در نظر بگیریم، به ۳۳ واحد درسی برمی‌خوریم که در قالب ۱۴ درس برای آغاز آموزش دانشجویان این رشته در نظر گرفته شده است. از این دروس، ۷ درس عملی، ۶ درس تئوری (با ماهیتی تاریخی) و یک درس نیز روش تحقیق می‌باشد. بر اساس این، می‌توان نتیجه گرفت این دروس پایه به عنوان آغاز و مبنای آموزش دانشگاهی هنر اسلامی، با هدف آماده‌سازی شناختی (تاریخی) و مهارتی

۱. یآوری، برنامه کارشناسی پیوسته هنر اسلامی، ص ۵.

۲. همان.

۳. همان.

دانشجویان برای دروس عملی و تخصصی آنها برنامه ریزی شده است و این هدف فاصله زیادی با مباحث آموزشی و تربیتی در فتوت‌نامه‌ها دارد.

ج) روش: دوره‌های آموزش دانشگاهی به صورت ترمی - واحدی برگزار می‌گردد. طول دوره کارشناسی هنر اسلامی ۴ سال است که برای دانشجویان تمام وقت، به ۸ ترم تحصیلی تقسیم می‌شود. طول هر ترم تحصیلی نیز ۱۶ هفته و معادل یک نیمسال تحصیلی است. زمان تدریس هر واحد درسی از نوع نظری، یک ساعت در هفته، از نوع عملی ۲ ساعت در هفته و از نوع کارگاهی ۳ ساعت در هفته است. کل واحدهای ارائه شده در این دوره ۱۳۵ واحد است و در مجموع دانشجو در دوره چهارساله کارشناسی هنر اسلامی، ۳۶۵۲ ساعت تحت آموزش اساتید قرار می‌گیرد. از این مقدار، بیش از شصت و شش درصد از ساعات (۲۴۲۲ ساعت) به دروس عملی و کارگاهی اختصاص دارد و بقیه دروس نظری را شکل می‌دهند.^۱

با بررسی و تحلیل محتوای شرح دروس نظری این دوره، ۴ درس حکمت و هنر اسلامی، مبانی زیبایی‌شناسی اسلامی، مبانی هنر و جلوه‌های آن در قرآن و شیوه‌های هنری دوران اسلامی، از جمله مواردی بودند که هر کدام به نوعی به معرفی و تبیین مفاهیم معنوی مرتبط با هنرهای اسلامی پرداخته‌اند. همچنین از میان ۲۰ واحد دروس عمومی دوره‌های کارشناسی، محتوای سه درس معارف اسلامی ۱، معارف اسلامی ۲ و به ویژه اخلاق و تربیت اسلامی را می‌توان به نوعی در جهت شناخت و پرورش معنویت دینی در دانشجویان این دوره در نظر گرفت. مجموع این ۷ درس، ۱۴ واحد از واحدهای دوره را شکل می‌دهد و به لحاظ تعداد ساعات، کمی بیش از ۶ درصد کل ساعات آموزش دانشجو را شامل می‌شود.

د) شرایط استاد: با بررسی‌های به عمل آمده و طی گفتگوهای با مدیران گروه رشته هنر اسلامی در چهار مرکز آموزش عالی، مشخص گردید که فارغ از شرایط عمومی گزینش اساتید، تجربه مهارتی و توانایی مدیریت یک کلاس یا کارگاه، دو پیش شرط اصلی و مهم برای انتخاب اساتید در این مراکز بود. همچنین مواردی مانند داشتن ایده‌های خلاقانه و کاربردی و آشنایی با فن‌آوری‌های جدید از جمله شرایط دیگری بود که برخی از مراکز آموزشی در انتخاب اساتید خود در نظر داشتند.

ه) شرایط دانشجویان: یکی از مباحثی که همواره در مورد رشته‌های دانشگاهی مرتبط با

۱. یآوری، برنامه کارشناسی پیوسته هنر اسلامی، ص ۹ - ۸.

هنر (و از جمله هنر اسلامی) مطرح بوده، چگونگی گزینش و ورود داوطلبان به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، برای تحصیل و هنرآموزی در این گونه رشته‌هاست. درصد بالایی از پذیرفته‌شدگان رشته‌های هنر، دانش‌آموزانی می‌باشند که ورود آنها به دانشگاه با پشتوانه اطلاعات عمومی و تخصصی بیشتر (حافظه‌سالاری) بوده است و هیچ‌کدام از دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، برنامه‌ای برای مصاحبه از داوطلبان این گونه رشته‌ها (به منظور شناسایی علاقه و اشتیاق وی) نداشته‌اند که این موضوع در نهایت موجب جا ماندن کسانی است که در بسیاری موارد استعداد و یا علاقه بیشتری برای تحصیل در رشته‌های مرتبط با هنر دارند و داوطلب دانشگاه، بدون تشنگی و عشق نسبت به رشته‌ای خاص، تنها به اقتضای رتبه، شانس قبولی و بازار کار، تعیین رشته می‌کند:

اصل اولیه جذب دانشجو، بر حافظه‌سالاری است و هرکس اطلاعات عمومی بیشتری داشته باشد، بهتر می‌تواند در مراکز آموزش عالی حضور داشته باشد. هنوز هم در خیلی از رشته‌های هنری، علاقه و خواستن، استعدادسنجی و دارا بودن ذوق هنری، شرط لازم است که هنوز نتوانسته ساختاری مشخص در گزینش دانشجو پیدا کند.^۱

البته در سرفصل دوره کارشناسی هنر اسلامی، به توانمندی‌هایی که از دانش‌آموختگان این دوره انتظار می‌رود، اشاره شده است که مهم‌ترین آنها به شرح زیر می‌باشد:

- تربیت کارشناسانی آگاه و محقق که ضمن شناخت نسبت به مبانی نظری و عملی، موجبات احیاء و تقویت و تحکیم هنر اسلامی را فراهم سازند.
- توانایی در ارزیابی - ارزشیابی و کارشناسی هنر اسلامی.
- کسب مهارت در اجرای مراحل مختلف ایجاد و ساخت یکی از رشته‌های هنر اسلامی.
- توانایی در اداره یک کارگاه؛ توانایی شناخت اقتصاد و بازارهای جهانی.^۲

جدول شماره یک، به شکلی خلاصه، شیوه‌های آموزشی هنرمندان بر مبنای فتوت‌نامه‌ها را با شیوه‌های آموزش دانشگاهی دوره کارشناسی هنر اسلامی، مقایسه نموده است:

۱. نعیمایی، «بررسی رابطه شیوه‌های آموزشی و ارتباط آن با معنویت»، مندرج در: *مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر*، ص ۲۶۰.

۲. یآوری، *برنامه کارشناسی پیوسته هنر اسلامی*، ص ۳.

جدول شماره ۱: مقایسه شیوه‌های تربیتی بر مبنای فتوت‌نامه‌ها با شیوه‌های آموزش دانشگاهی^۱

ویژگی‌ها	فتوت‌نامه‌ها	دوره کارشناسی هنر اسلامی
هدف	تربیت معنوی متعلمان و تربیت حرفه‌ای آنان به عنوان صاحب یک شغل	احیاء، توسعه، ترویج و تقویت هنرهای اسلامی / تربیت افراد متخصص، پژوهشگر، ژرفاندیش و آگاه به مبانی نظری و عملی هنر اسلامی / حفظ و صیانت اصالت‌ها و ارزش‌های حاکم بر هنر اسلامی / فراهم آوردن زمینه‌های تداوم هنر اسلامی و حیات گسترده آن در آینده
اصول و مبنایها	انتقال مبانی معنوی که شکل‌دهنده شخصیت، منش و روش هنرآموز خواهد بود / آماده سازی روحی و معنوی هنرآموزان قبل از آموزش مهارت‌ها	آماده سازی مهارتی دانشجویان برای دروس عملی و تخصصی در قالب دروس پایه
روش	آموزش سلسله مراتبی / شیوه استاد - شاگردی / تلمذ طولانی مدت در محضر استادان فن و همراهی و نشست و برخاست با ایشان	دوره به صورت ترمی - واحدی در چهار سال و هشت ترم تحصیلی برنامه‌ریزی شده است که در این فرایند ۱۳۵ واحد درسی طی ۳۶۵۲ ساعت آموزش برگزار می‌گردد.
شرایط استاد	استاد برای شاگرد همچون مراد و پدر بوده / دارای صفاتی چون طبع نیکو، حسن خلق، صفای ذهن، حقیقت‌طلبی و فقدان تعصب در رای است / عارف به اسرار شاگرد و دانا به احوال نهان اوست / هر شاگرد را به اندازه ظرفیت او بار می‌نهد.	صلاحیت‌های عمومی / تجربه مهارتی / توانایی مدیریت یک کلاس یا کارگاه
شرایط هنرآموز	اهلیت / ارادت به استاد و تلمذ وی / تیزهوشی، فهم نیکو و سرعت انتقال در دریافت / قدرت حفظ آنچه می‌فهمد و می‌شنود / زیرکی و باهوشی و قدرت در ارائه دلیل / خوش بیانی در ارائه مافی الضمیر خود / عاشق علم و طالب بهره بردن از آن / دوستار صداقت و مقرب اهل صداقت / دارای عزت نفس	شرایط قبل از آموزش: اطلاعات عمومی و تخصصی لازم برای قبولی در آزمون تئوری ورودی به دانشگاه. توانایی‌های مورد انتظار بعد از آموزش: شناخت نسبت به مبانی نظری و عملی هنر اسلامی / توانایی کارشناسی هنر اسلامی / کسب مهارت ساخت یکی از رشته های هنر اسلامی / توانایی در اداره یک کارگاه / توانایی شناخت اقتصاد و بازارهای جهانی

۱. منبع: نگارندگان.

در مقایسه شیوه‌های تربیتی هنرآموزان در فتوت‌نامه‌ها با شیوه‌های آموزشی دانشگاهی رشته هنر اسلامی، صفات انتساب داده شده به هنر اسلامی، همسویی بسیاری با اندیشه‌های اهل فتوت در خصوص هنر و صنعت دارد که مهم‌ترین آن، هم‌آمیزی صنعت و حکمت بود. یعنی هم بر مبنای فحوای فتوت‌نامه‌ها و هم طبق برنامه‌های تنظیم شده برای دوره آموزش هنر اسلامی در مراکز آموزش عالی، حکمت و صنعت لازم و ملزوم هم در نظر گرفته شده‌اند. اهداف آموزشی در فتوت‌نامه‌ها، تربیت معنوی و حرفه‌ای و آماده نمودن آنها برای تصدی یک حرفه معرفی شده است و این اهداف برای دوره کارشناسی هنر اسلامی، به شکلی آرمانی‌تر بیان شده است که از جمله این اهداف آرمانی می‌توان به احیاء، توسعه، ترویج، تقویت و صیانت اصالت‌ها و ارزش‌های حاکم بر هنر اسلامی اشاره داشت. اهدافی مانند تربیت افراد متخصص، ژرف‌اندیش و آگاه به مبانی نظری و عملی هنر اسلامی نیز مواردی هستند که تا حد زیادی با اهداف تربیتی فتوت‌نامه‌ها همسویی دارد.

اولین تمایز جدی دو شیوه، در اصول و مبناهای آموزشی آنها آشکار می‌گردد؛ به طوری که فتوت‌نامه‌ها پایه و اساس آموزش و تربیت متعلم را آماده‌سازی روحی و معنوی وی قبل از آموزش مهارت‌ها می‌دانند، اما در برنامه آموزش دانشگاهی هنر اسلامی، آموزش با دروس پایه‌ای آغاز می‌گردد که با هدف آماده‌سازی مهارتی دانشجویان برای دروس عملی و تخصصی برنامه‌ریزی شده است. همچنین روش‌های آموزش ترمی - واحدی دانشگاهی، زاویه زیادی با شیوه‌های سلسله‌مراتبی و استاد - شاگردی گذشته دارد که فتوت‌نامه‌ها بر آن تأکید داشته‌اند. هرچند در برنامه‌ریزی‌های آموزش دانشگاهی سعی شده است که دروس پایه و اصلی قبل از دروس تخصصی آموزش داده شود، اما محدودیت‌های شیوه ترمی - واحدی و از جمله زمان کوتاه آموزش در آن، باعث شده است سلسله‌مراتب آموزش در آن با سلسله‌مراتب آموزشی شیوه استاد - شاگردی، فاصله زیادی داشته باشد؛ فاصله‌های زیادی نیز در شرایط استاد و هنرآموز در دو شیوه دیده می‌شود، به طوری که انتخاب این دو عامل کلیدی در حلقه آموزش بر مبنای فتوت‌نامه‌ها با توجه به اهداف و اصول آن، با آدابی سخت‌گیرانه میسر می‌شود؛ و این بالعکس روندی است که در شیوه‌های دانشگاهی جریان دارد.

نتیجه

با توجه به ویژگی‌ها و ارزش‌های ظاهری و باطنی هنرهای موسوم به اسلامی و ضرورت احیاء، تقویت و هدایت آنها، مدت زمانی است که برنامه‌هایی برای آموزش و تربیت نیروهای متخصص در این زمینه در سطح آموزش عالی کشور شکل گرفته و اجرایی شده است؛ اما در دگردیسی بسیاری از

جوامع سنتی و از جمله جامعه ایران، بسیاری از آداب و آیین‌های سنتی، جایگزین‌هایی برای خود می‌یابند؛ در این فرآیند، برخی امور، آداب و پدیده‌ها، با توجه به تحولات جامعه و نیازهای جدید آن، صورتی متفاوت به خود می‌گیرند و برخی دیگر با هدف هم‌آوایی و همسویی با جوامع پیشرفته، به شکلی تقلیدی ظاهر می‌شوند. به نظر می‌رسد مسئله آموزش دانشگاهی هنرهای اسلامی در جامعه امروز ما بیشتر مبتنی بر رویکرد دوم باشد.

آگاهی از اهداف تربیت سنتی هنرمندان در جوامع گذشته و اشراف بر اصول و مبناهای این آموزه‌ها و نیز برنامه‌ها و روش‌های مرتبط با آنها، از ضرورت‌های بنیادین در امر احیا و ترویج این هنرها و آداب تربیتی مرتبط به آن است و محتوای فتوت‌نامه‌ها منبعی مهم و معتبر برای این منظور است؛ زیرا که بخش اعظم محتوای این فتوت‌نامه‌ها و رساله‌ها به منظور تربیت هنرمندان یا صنعتکاران و در باب منش، عقاید، قوانین و آداب آن هنر یا صنعت خاص نوشته شده است؛ لذا ارکان آموزشی هنر اسلامی در گذشته با تکیه بر متون فتوت‌نامه‌ها قابلیت تبیین دارد. با مقایسه مؤلفه‌هایی همچون اهداف، اصول و مبناها، روش آموزش، شرایط استاد و شاگرد در شیوه‌های تربیتی هنرمندان بر مبنای فتوت‌نامه‌ها با شیوه‌های آموزش دانشگاهی دوره کارشناسی هنر اسلامی، مشخص گردید که هر چند در هر دو شیوه، اهداف آموزشی تا حدودی بر هم منطبق بودند، اما در دیگر مولفه‌ها، فواصل بسیاری وجود داشت. البته در اینجا نمی‌توان انتظار داشت که دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، تمامی اصول و شیوه‌های گذشته را بر طبق فحوای فتوت‌نامه‌ها اجرا نمایند، اما به نظر می‌رسد با اعمال برخی تغییرات بتوان این فاصله‌ها را کمتر نمود. از جمله این تغییرات می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

- پذیرش نیمه متمرکز دانشجو در رشته‌هایی مانند هنر اسلامی و انجام مصاحبه‌هایی به منظور سنجش علاقه و آشنایی وی با این رشته.
- گنجاندن دروسی با هدف توصیف و تبیین آداب معنوی در فرآیند خلق آثار هنری در قالب دروس پایه.

- گنجاندن دروسی با هدف انتقال فحوای فتوت‌نامه‌ها در قالب دروس پایه یا اصلی این دوره.
- هدفمند نمودن برخی دروس عمومی با توجه به مسائل و ویژگی‌های خاص هنرهای اسلامی با هدف فراهم آوردن زمینه‌ای که دانشجو بتواند ارتباط درستی بین محتوای این دروس با رشته دانشگاهی خود برقرار نماید.

- استفاده از مدرسان و استادان با تجربه، متخصص و آگاه به آداب معنوی آموزش هنر اسلامی.

- الزام انتقال آداب معنوی مرتبط با هر رشته و هنر، همزمان با آموزش‌های تخصصی و مهارتی.

کارگاهی.

منابع و مأخذ

۱. آیت‌اللهی، حبیب‌الله، «رابطه آموزش، هنر و معنویت»، *مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر*، ص ۵۶ - ۴۱، فرهنگستان هنر، تهران، تابستان ۱۳۸۸.
۲. ابن‌خلدون، عبدالرحمن، *مقدمه*، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
۳. اسلامی، سید غلامرضا و کاظم ماندگاری، «آموزش معماری و تربیت معماران»، *مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر*، تابستان ۱۳۸۴، ص ۱۰۲ - ۷۱، فرهنگستان هنر، تهران.
۴. افشاری، مهران، *سی فتوت‌نامه دیگر*، تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۰.
۵. بلخاری، حسن، *هندسه خیال و زیبایی: پژوهشی در آرای اخوان اصفا درباره حکمت هنر و زیبایی*، تهران، متن، ۱۳۸۸.
۶. بینای مطلق، سعید و سیده مریم ایزدی دهکری، «عرفان اسلامی و آداب معنوی آموزش هنر (با تاکید بر فتوت‌نامه‌ها)»، *پژوهشنامه مناهب اسلامی*، ش ۱۰، ص ۱۳۹ - ۱۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
۷. پیروزرام، شهریار و سعید بینای مطلق، «بررسی مسئله خلاقیت در هنر سنتی»، *جاویدان خرد*، شماره ۲۴، ص ۴۶ - ۲۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.
۸. تقی‌زاده، محمد، «نقش معنویت در ارتقای کیفیت آموزش هنر»، *مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر*، ص ۱۸۲ - ۱۶۵، فرهنگستان هنر، تهران، تابستان ۱۳۸۴.
۹. خزایی، محمد، «مبادی آموزش هنر اسلامی (با تاکید بر هنر نگارگری)»، *مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر*، ص ۱۹۰ - ۱۸۳، فرهنگستان هنر، تهران، تابستان ۱۳۸۴.
۱۰. راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۷.
۱۱. رحیمی، سیامک، *مطالعه تطبیقی در آداب تربیتی نگارگران گذشته و حال*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته هنر اسلامی، استاد راهنما: مهناز شایسته‌فر و پرویز اسکندرپور خرمی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۸.
۱۲. عسگری کیا، فرشاد، «آموزش آکادمیک هنر»، *بیناب*، ش ۳ و ۴، ص ۷۵ - ۷۰، تهران، آبان ۱۳۸۲.
۱۳. فیزابی، بهمن، «بررسی سنت‌های آموزشی هنروری در فتوت‌نامه‌ها»، *مجله آینه خیال*، ش ۱۱، ص ۱۳۴ - ۱۲۷، آذر و دی ۱۳۸۷.
۱۴. فیوضات، ابراهیم، *بررسی تحولات نظام استاد - شاگردی در ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲.

۱۵. قیومی بیدهندی، مهرداد، «نظام آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله معماریه»، *مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر*، ص ۲۵۴ - ۲۱۵، فرهنگستان هنر، تهران، تابستان ۱۳۸۴.
۱۶. کاتب، فاطمه و فرنوش شمیلی، «آیین فتوت و نظام آموزشی هنرها و صنایع در ایران»، *پژوهش هنر*، شماره ۴، ص ۱۰۸ - ۹۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
۱۷. کاشفی، واعظ، *فتوت‌نامه سلطانی*، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
۱۸. کرین، هانری، *آیین جوانمردی*، تهران، نشر نو، ۱۳۶۴.
۱۹. گنون، رنه، *سیطره کمیت و علائم آخرالزمان*، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱.
۲۰. محمدزاده، مهدی، «آموزش و حیطه کیفی هنر»، *مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر*، ص ۲۷۲ - ۲۶۳، تهران، فرهنگستان هنر، تهران، تابستان ۱۳۸۴.
۲۱. موسوی، سیدرضی، «هنر اسلامی در آیین فتوت‌نامه‌ها، با تاکید بر فتوت‌نامه چیت‌سازان»، *مطالعات هنر اسلامی*، شماره ۱۵، ص ۳۴ - ۲۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
۲۲. ندیمی، حمید، «آموزش معماری، دیروز و امروز»، *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ش ۱۳ و ۱۴، تهران، ۱۳۷۵، ص ۴۶ - ۱۳.
۲۳. ندیمی، هادی، «آیین جوانمردان و طریقت معماران»، *مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ارگ بهم*، ج ۲، تهران، انتشارات میراث فرهنگی، ۱۳۷۴.
۲۴. نعیمایی، ایرج، «بررسی رابطه شیوه‌های آموزشی و ارتباط آن با معنویت»، *مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر*، ص ۲۶۲ - ۲۵۵، فرهنگستان هنر، تهران، تابستان ۱۳۸۴.
۲۵. نفیسی، سعید، *سرچشمه تصوف در ایران*، تهران، اساطیر، ۱۳۸۵.
۲۶. یآوری، حسین، «آموزش، معنویت و هنرهای سنتی»، *مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر*، فرهنگستان هنر، تهران، تابستان ۱۳۸۴، ص ۲۸۳ - ۲۷۷.
۲۷. یآوری، حسین، *برنامه کارشناسی پیوسته هنر اسلامی*، تهران، شورای گسترش وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری، ۱۳۸۴.